



فرهنگ مردم برزیل^۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. گروه ترجمه صراط. این مقاله برگرفته از داتره المعارف فرهنگ کشورها (The Encyclopedia of countries and their culture) است.
تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۰/۴ تاریخ تصویب: ۱۳۹۰/۱۱/۱



چکیده:

برزیل بزرگترین و پرجمعیت‌ترین کشور آمریکای لاتین است. مردم این کشور عمدتاً کاتولیک هستند و به زبان پرتغالی تکلم می‌کنند. سرخ‌پوستان، سیاه‌پوستان آفریقایی‌تبار و سفیدپوستان اروپایی‌تبار، سه نژاد عمده این کشور هستند که بعدها مهاجرینی از شرق آسیا و خاورمیانه (اعراب) هم در این کشور ساکن شدند. بدین ترتیب اختلاط نژادی و تفاوت هویتی از ویژگی‌های جامعه امروز برزیل است. این مقاله که برگرفته از دایره المعارف فرهنگ کشورهاست، با بررسی عناوین و موضوعات مختلف، به فرهنگ مردم برزیل پرداخته است و مسائلی مانند روابط قومی و نژادی، زبان، هویت ملی، خانواده، آداب و معاشرت، اعتقادات دینی، مراسم‌ها و جشن‌ها، هنر و ... را بررسی کرده است.

واژه‌گاه کلیدی: برزیل، فرهنگ، روابط قومی، هویت، پرتغالی‌تبارها، آفریقایی‌تبارها

نام کشور و هویت آن

۱- نام

برزیل و به زبان پرتغالی براسیل^۱، شهروندان این کشور بر اساس جنسیت آنان براسیلیروس^۲ یا براسیلیراس^۳ خوانده می‌شوند.

۲- هویت

سیاح پرتغالی، پدرو آلوارس کابرال^۴ در ماه آوریل سال ۱۵۰۰ میلادی در محلی که امروزه پوتوسگورو^۵ (به معنای بندرگاه امن) شناخته می‌شود، لنگر انداخت. این منطقه امروزه در ایالات باهیا^۶ برزیل واقع است و سیاح مذکور نام این نقطه جدید را ایلها دورا کروز^۷ (به معنای جزیره مسیر صحیح) انتخاب کرد، به گمان این که پا بر جزیره ای نهاده است. یک سال بعد، سیاح ایتالیایی آمریگو وسپوچی^۸ به برزیل رفت تا مأموریتی را که از سوی پادشاه پرتغال بر عهده‌اش گذاشته شده بود انجام دهد. وی در بازگشت محموله ای از چوب‌های سخت و قرمز رنگ به همراه داشت. این چوب‌ها مشابه نوعی از چوب شرق هند بود که آن هنگام در اروپا جهت ساخت بوفه و کمان‌های ویولون مورد استفاده قرار می‌گرفت و پائو براسیل نامیده می‌شد. پائو براسیل^۹ (به معنای چوب برزیل) اولین محصولی بود که توسط پرتغالی‌ها در این منطقه یافت شد و منشأ نام این کشور یعنی برزیل قرار گرفت.

-
۱. brasil
 ۲. Brasileiros
 ۳. Brasileiras
 ۴. pedro Alvares Cabral
 ۵. porto seguro
 ۶. Bahia
 ۷. Ilha de Vera Cruz
 ۸. Amerigo Vespucci
 ۹. Pau brasil

برزیل به دلیل بزرگی و گوناگونی‌های مختلف یکی از کشورهایی است که به حق نام «سرزمین تنوع‌ها و تفاوت‌ها» شایسته آن است. اغلب، این کشور را به پنج منطقه تقسیم می‌کنند: شمالی^۱، شمال شرقی^۲، مرکزی - غربی^۳، جنوب شرقی^۴ و جنوب^۵. این تقسیم‌بندی به جهت اهداف اداری و کشوری مانند سرشماری ملی قابل استفاده است، اما بیانگر اموری چون گوناگونی جغرافیایی، مردم شناسی، اقتصادی و فرهنگی در این کشور گسترده نیز است. منطقه شمال شرقی بیشترین مردم از نسل آفریقایی تبار را در خود جای داده، مناطق جنوب و جنوب شرقی محل سکناي برزیلی‌های اروپایی و ژاپنی تبار است در حالی که بومیان برزیل بیشتر در مناطق شمال و مرکزی - غربی زندگی می‌کنند. از سوی دیگر، مهاجرت بین مناطق و هم چنین ازدواج بین نژادهای مختلف، برزیل را به عنوان یکی از کشورها با بیشترین تنوع نژادی مطرح کرده است. جدای از پنج منطقه رسمی کشور برزیل، یک نوع تقسیم‌بندی ضعیف‌تر اقتصادی بین شمال فقیر و توسعه نیافته و جنوب ثروتمندتر و صنعتی شده دیده می‌شود. گاهی اوقات جهت اشاره به این تفاوت کلمه «بلیندیا»^۶ (دو برزیل) استفاده می‌شود که ترکیبی از معادل انگلیسی کشورهای بلژیک و هند^۷ است. در بعضی موارد این تفاوت‌ها جهت اشاره به صفات منفی گروه‌های ساکن کشور به کار می‌رود به گونه‌ای که ساکنان شهر سائوپائولو - که شهری پیشرفته در جنوب شرقی برزیل به حساب می‌آید - فقر و درصد بالای جرائم شهرشان را به مهاجران مناطق شمالی کشور نسبت می‌دهند. بعضی افراد که خود را شهرنشینان اصیل می‌دانند به ویژه ساکنان ریودوژانیرو و

۱. Norte
۲. Nrdeste
۳. Centro - oeste
۴. Sudeste
۵. Sul
۶. Belindia
- ۷ - Belgium & India

سائوپائولو، فرهنگ اتهام زدن به افرادی از شهرهای کوچک‌تر برزیل را در بین خود نهادینه کرده‌اند و آنان را دهاتی‌های بی‌سواد می‌خوانند.

برزیلی‌های طبقه متوسط و پولدار بیشتر علاقه‌مند به دیدار میامی، اورلاندو یا نیویورک [ایالات متحده آمریکا] هستند تا آن که به مناطق گردشگری کشور خویش مسافرت نمایند.

میراث پرتغالی‌ها در زبان، دین و حقوق، نقطه مشترکی جهت یکپارچگی این سرزمین بزرگ و مردمان آن به وجود آورده است. تقریباً تمام برزیلی‌ها تا اواسط قرن بیستم حداقل به صورت ظاهری کاتولیک بوده‌اند، به زبان پرتغالی تکلم می‌کرده‌اند و فرهنگ برتر برزیل را وجه مشخصه خویش می‌دانسته‌اند.

موقعیت و جغرافیا

برزیل از جهت وسعت جغرافیایی پنجمین کشور جهان محسوب می‌شود و بزرگ‌ترین سرزمین آمریکایی لاتین است. این کشور کمتر از نیمی از وسعت آمریکای جنوبی را به خود اختصاص داده که با تمام کشورهای آمریکای جنوبی غیر از شیلی و اکوادور، مرز مشترک دارد. در صورتی که آلاسکا را از کشور آمریکا جدا کنیم، وسعت برزیل تقریباً با آن یکسان خواهد شد.

محیط زیست و آب و هوای برزیل از استوایی در مناطق شمالی تا معتدل در جنوب متفاوت است. چشم‌انداز این کشور بیشتر به منطقه مرکزی مرتفع آن که **فلات مرکزی**^۱ نامیده می‌شود و نیز حوضه آبریز رود **آمازون** - که بیش از یک سوم کشور را در برمی‌گیرد - محدود است. فلات مرکزی در بعضی از مناطق ساحلی کشور که بالغ بر ۷,۲۴۰ کیلومتر وسعت دارد به دریا متصل می‌شود، اما این فلات بیشتر موازی با اقیانوس بوده و منطقه‌ای حاصل خیز با ارتفاع اندک به وجود آورده است.

برزیل سرزمینی ثروتمند از جهت منابع طبیعی است و معادن سنگ آهن، بوکسیت، منگنز، نیکل، اورانیوم، طلا، سنگ‌های قیمتی و نیز نفت و چوب به فراوانی در آن یافت می‌شود.

تاریخ اقتصادی برزیل با چرخه‌های مستمری مشخص شده است که هر کدام بر پایه صادرات کالایی خاص شکل گرفته‌اند: چوب برزیل در سال‌های اولیه استعمار، نیشکر در قرون شانزدهم و هفدهم، فلزات قیمتی (طلا) و جواهرات (الماس) در قرن هجدهم و بالاخره قهوه در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم.

ساحل شمال شرقی برزیل که خاک ارزشمند و حاصل خیزی دارد، در ابتدا و به دلیل کشت زارهای نیشکر - که جهت تغذیه، درخواست‌های رو به رشد از این محصول در اروپا وجود داشت - ثروتمندترین نقطه کشور شد. با شروع قرن هفدهم، بردگان آفریقایی به عنوان نیروی کار این منطقه به کشور وارد شدند. به همین دلیل است که هم اکنون نیز شمال شرقی بیشترین تأثیر پذیری از آفریقائیان را داشته است. منطقه جنوب شرقی نیز در طول دوره طلا در قرن هجدهم و قهوه در اوایل قرن نوزدهم، پذیرای تعداد زیادی از بردگان آفریقا بود. این منطقه هم چنین مهاجران جدیدی از اروپا، خاورمیانه و ژاپن را در خود جای داده است که مزارع خانوادگی و تجارت و بازرگانی شهری را پایه گذاری کردند.

در مقایسه با موارد بالا، منطقه جنوب که آب و هوای مناسب رشد قهوه یا شکر ندارد، مقصد بسیاری از مهاجران آلمانی و ایتالیایی گشت که دامپروری و رشد محصولات کشاورزی متنوع را سرلوحه کار خویش قرار دادند.

یکی دیگر از تفاوت‌های منطقه ای که بین ساحل و مناطق درون مرزی وجود دارد ناشی از این عامل است که بیشتر اسکان‌ها در برزیل همواره متمرکز در مناطق نزدیک ساحل بوده است. هرگاه گفته شود که فردی از داخل کشور است، معمولاً به آن معناست که او از منطقه‌ای روستایی و غیر شهری است. شهرهای بزرگی دور از ساحل در کشور برزیل وجود دارند. رونق ناشی از طلا در قرن هجدهم و کائوچو در قرن نوزدهم باعث

شد تا شهرهای دور از دریا رشد کنند، اما حرکت اصلی که باعث شد مناطق مرکزی کشور مسکونی شوند در اواخر دهه ۱۹۵۰ و با ساختن پایتخت ملی نوین کشور، شهر برازیلیا در مرکزیت آن شکل گرفت.

احتمالاً بسیاری، برزیل را سرزمین آمازون می‌دانند که بزرگ‌ترین رود جهان از جهت حجم آب و دومین رود پس از نیل از جهت بلندی محسوب می‌شود. جنگل‌های آمازون شامل منحصر به فردترین و بزرگ‌ترین منبع موجودات زنده هستند و در حالی که هیچ کس نمی‌داند دقیقاً چند گونه از موجودات زنده در آن وجود دارند، اما دانشمندان پیش‌بینی می‌کنند که حدود ۵ میلیون گونه موجود زنده - که بین ۱۵ تا ۳۰ درصد مجموع گونه‌های روی زمین را شامل می‌شوند - در این نقطه زندگی می‌کنند. اگر چه منطقه آمازون هم اکنون به دلیل عواقب منفی ناشی از توسعه بر محیط زیست مورد توجه رسانه‌های برزیل و خارجی قرار گرفته است، این نقطه برای مدتی طولانی از فرهنگ ملی منفک شده بود. با شروع دهه ۱۹۷۰ و با ساخت بزرگراه ترانس آمازون و سایر راه‌های عبوری، جریان حرکت مهاجران به مناطق مرکزی - غربی (محل تأسیس برازیلیا) و منطقه آمازون کشیده شد.

جمعیت

جمعیت برزیل در سال ۲۰۰۰ حدود ۱۷۰ میلیون نفر [و در حال حاضر ۱۹۲ میلیون نفر] سرشماری شده است که پس از چین، هند، آمریکا، اندونزی و فدراسیون روسیه در مقام ششم جهانی قرار گرفته است. برزیل علی‌رغم جمعیت بالای آن، از تراکم جمعیت در مناطق خاصی از کشور بهره می‌برد به گونه‌ای که در طول دهه‌های اخیر اگر چه جمعیت قابل توجهی به مناطق درون مرزی حرکت کرده‌اند، اما هم‌چنان حدود ۸۰ درصد از مردم این کشور در طول ۲۰۰ مایل از ساحل اقیانوس اطلس زندگی می‌کنند. طی سه دهه چهاردهم آخر قرن بیستم، درصد زایمان در این کشور کاهش چشم‌گیری داشت به گونه‌ای که در ابتدای قرن بیست و یکم به میزان متوسط ۲/۱

فرزند برای هر زن رسید. با این حال، در بیست‌الی سی سال ابتدای قرن ۲۱، جمعیت کشور رشد داشت.

جمعیت برزیل از سه جزء اصلی تشکیل شده است. بین ۲/۵ تا ۵ میلیون نفر سرخ‌پوست در هنگام اولین ورود پرتغالی‌ها به این کشور در اوایل قرن شانزدهم، در آن زندگی می‌کردند. سرخ‌پوستان برزیل فرهنگ‌ها و مکاتب مختلف و متنوعی داشته‌اند و به زبان‌های گوناگونی صحبت می‌کرده‌اند. امروزه این قشر تنها ۰/۰۲ درصد از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند. تعداد آنان به سرعت و در نتیجه اموری چون: جا به جایی، استفاده از جنگ‌افزارها و مهم‌تر از همه ورود بیماری‌های اروپایی که ایمنی سرخ‌پوستان در برابر آنها صفر بود، کاهش یافت. تا سال ۱۹۵۵ تنها ۱۲۰/۰۰۰ نفر سرخ‌پوست برزیلی باقی مانده بودند و به نظر می‌رسد که تعداد آنها رو به کاهش بوده است. امروزه این روند تا حدی برعکس شده است و تعداد آنان به دلیل افزایش کیفیت بهداشت، بیماری‌های کمتر، کاهش فوت نوزادان و افزایش زاد و ولد، رو به فزونی است. برآوردهای کنونی بیانگر آن است که **تعداد بومیان برزیل ۲۸۰/۰۰۰ تا ۳۰۰/۰۰۰ نفر** است و احتمال می‌رود در ابتدای هزاره جدید به ۴۰۰/۰۰۰ نفر هم برسد.

برزیلی‌های آفریقایی تبار که از نسل میلیون‌ها برده‌ای هستند - و در طول حدود ۳۰۰ سال از غرب آفریقا به برزیل آورده شدند - دومین قسمت عمده از اجزای جمعیتی برزیل به حساب می‌آیند. برزیلی‌های آفریقایی تبار و نیز افرادی با نژادهای گوناگون و مختلط در پایان قرن بیستم، حداقل ۴۵ درصد از جمعیت برزیل را تشکیل می‌داده‌اند.

کشور برزیل هم چنین جمعیت عده‌ای از اروپائیان را که بیشتر **پرتغالی تبار** هستند در خود جای داده است. در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم برزیل مقصد بسیاری از مهاجران کشورهای **ایتالیا، آلمان و اسپانیا** بود. در طول همین دوره تعداد کمتری از مهاجران از **اروپای شرقی و خاورمیانه** به این کشور وارد شدند. پس از نژادهای فوق، نوبت به **ژاپنی - برزیلی‌ها** می‌رسد که از نسل ژاپنی‌هایی هستند که در دهه‌های اولیه قرن بیستم به برزیل وارد شدند و سپس **کره‌ای‌ها** که از اواخر دهه ۱۹۵۰ به این کشور

آمدند. بنابر دلایل ذکر شده، برزیل از جمله کشورهای با تنوع نژادی بالا در دنیا محسوب می‌شود و به همین صورت بعضی به اشتباه فکر می‌کنند مردم برزیل از نژادهای مختلف به وجود آمده‌اند.^۱

وابستگی‌های زبانی

تقریباً تمام برزیلی‌ها به زبان پرتغالی صحبت می‌کنند که زبانی رومیایی و متعلق به خانواده زبان‌های هندی - اروپایی است. این زبان در اوایل قرن شانزدهم و توسط پرتغالی‌ها به برزیل وارد شد. قبل از ورود زبان پرتغالی، بومیان کشور به زبان‌هایی صحبت می‌کردند که حداقل به چهار خانواده اصلی زبان‌ها تعلق داشتند: آراواکان^۲، جه^۳، کاریب^۴ و توپی گوارانی^۵. توپی گوارانی که توسط سرخ‌پوستان ساحل‌نشین مورد استفاده قرار می‌گرفت اولین زبانی بود که تعامل گسترده‌ای با زبان پرتغالی پیدا کرد و به عنوان پایه زبان لینگوا گرال^۶ مورد استفاده قرار گرفت. زبان اخیر از سوی میسیونرهای مسیحی جهت تعامل با سرخ‌پوستان، رشد و گسترش یافت.

به غیر از تعداد اندکی از بومیان، تمام برزیلی‌ها به زبان پرتغالی صحبت می‌کنند. زبان پرتغالی برزیلی اندکی با زبان پرتغالی رسمی از جهت دستور زبان، فرهنگ لغات و تلفظ تفاوت دارد. زبان پرتغالی که در برزیل به آن تکلم می‌شود مملو از عبارات بومی به ویژه کلمات توپی گوارانی در بخش‌های گیاهان بومی، حیوانات و نام مکان‌ها است که در زبان پرتغالی اروپایی دیده نشده‌اند. اکثریت برزیلی‌ها تنها زبان پرتغالی را بلد هستند، اما بسیاری

۱. هر یک از قدرت‌های بزرگ به فراخور زمینه‌ها و امکانات خود اقدام به ایجاد و گسترش بنیادهای فرهنگی و تبلیغاتی از روزنامه‌ها و مجله مدرسه و کانون و کانال‌های تلویزیونی و رادیویی در کشور برزیل نموده‌اند. انگلیسی‌ها، آلمانی‌ها، پرتغالی‌ها، ژاپنی‌ها، فرانسوی‌ها، ایتالیایی‌ها و بالاخره آمریکایی‌ها در برزیل فعالیت دارند.

۲. Arawakan

۳. Ge

۴. Carib

۵. Tupi - Guarani

۶. Lingua geral

از برزیلی‌های طبقه متوسط و نخبگان، زبان انگلیسی و کمتر از آن اسپانیولی، فرانسوی و آلمانی را تعلیم دیده‌اند. برزیلی‌ها به میراث زبانی خویش افتخار می‌کنند و جالب است بدانیم بسیاری از خارجی‌ها به ویژه افرادی که در آمریکای شمالی زندگی می‌کنند فکر می‌کنند برزیلی‌ها به زبان اسپانیولی صحبت می‌کنند.

نمادها

بسیاری از برزیلی‌ها بر این نکته تأکید دارند، آئین جشن‌های پرشور و کارناوال پُر سر و صدای قبل از چله روزه مسیحیان و نیز ورزش کاملاً مردمی فوتبال که در برزیل فوتبال^۱ نامیده می‌شود، بهترین نشان‌های سرزمین آنها است.

کارناوال که یک دوره خوشی چهار روزه را شامل می‌شود با راه‌پیمایی رقص‌کنندگان و نوازندگان موسیقی با لباس‌های خاص و رقص در خیابان‌ها و جشنواره‌های موسیقی مشخص می‌شود. برزیلی‌ها طی این کارناوال که یک جشن کاملاً ملی محسوب می‌شود سعی می‌کنند آن چه را که سختی‌های زندگی می‌نامند فراموش کنند. این واقعه سمبلی از دیدگاه‌های ملی است، چرا که نشان‌دهنده بسیاری از دوگانگی‌ها در زندگی ساکنان آن کشور است که عبارت‌اند از: فقر و غنا، آفریقایی و اروپایی و زن و مرد بودن. دلیل عمومیت کارناوال، تلاقی آن با زندگی و نیز برعکس شدن واقعیات زندگی روزمره، طی این واقعه است. سلسله مراتب طبقه‌بندی اجتماعی بر اساس ثروت و قدرت به سادگی کنار گذاشته می‌شوند، فقر فراموش می‌شود و مردان می‌توانند مانند زنان لباس بپوشند.

برزیلی‌ها هم‌چنین توجه خاصی به فوتبال دارند و از جمله بهترین بازیکنان این ورزش در جهان به حساب می‌آیند.^۲

۱. Futbol

۲. کشور برزیل با قهرمانی در پنج دوره جام جهانی، پر افتخارترین تیم ادوار جام جهانی محسوب می‌شود.

تاریخ و روابط قومی و نژادی

۱. پیدایش ملت

در سال ۱۵۳۰ میلادی پرتغالی‌ها، استعمار کشور برزیل را شروع کردند. اما در طول قرون شانزدهم و اوایل قرن هفدهم، تسلط آنان بر این سرزمین گسترده با مشکل مواجه شد چرا که پرتغالی‌ها مجبور بودند با آب و هوایی متفاوت، مردم بومی و نیز تلاش‌های فرانسه و سپس هلند جهت غلبه بر مستعمرات مبارزه کنند.

جهت روشن‌تر شدن موضوع، مقایسه استعمار آمریکا با برزیل مفید خواهد بود، زیرا این نکته به شناسایی تفاوت‌های بین این دو کشور مدرن بیشتر کمک خواهد نمود. هر دو کشور فوق تعداد زیادی برده از آفریقا وارد کردند، اما در برزیل این عمل زودتر انجام شد، مدت بیشتری طول کشید و در مقایسه با آمریکا تعداد بردگان دو تا سه برابر بیشتر بود. برآوردها بیانگر آن هستند که سه تا چهار میلیون آفریقایی به زور به برزیل آورده شدند. در اوایل سده هفدهم و هنگامی که ورود بردگان به آمریکای شمالی آغاز شد نسبت آفریقایی‌ها به اروپایی‌ها در آمریکا، بسیار کمتر از برزیل بود؛ چرا که در برزیل از صد سال قبل تجارت برده رواج داشت. تعداد اندک استعمارگران اروپایی نسبت به بردگان و بومیان برزیل باعث شد تا مردان مجرد، زنان بومی آفریقایی را به عنوان کنیز یا همسر انتخاب کنند و در نتیجه اختلاط نژادی - که ویژگی اصلی جامعه برزیل امروزی است - به وجود آمد. در برزیل ترکیب نژادی وسیعی بین اقوام آفریقایی و پرتغالی با بومیان و بعدها با ورود مهاجرین جدید از اروپا، خاورمیانه و آسیا، حاصل شده است.

۲. هویت ملی

در حالی که امروزه بسیاری از مردم جهان تنوع فرهنگی و نژادی برزیل را به عنوان یکی از نشانه‌های ملت برزیل به حساب می‌آورند، بازدید کنندگان خارجی و خود برزیلی‌ها گاهی اوقات ارتباط خاصی بین اختلاط گسترده نژادها و عقب‌ماندگی برزیل ترسیم می‌کنند. این عقیده که برزیل به دلیل تنوع نژادی، امکان کمی برای رشد و توسعه دارد، مهم‌ترین عامل در تصمیم‌گیری‌های دولت در زمینه مهاجرپذیری را تشکیل

داده است. برای نمونه طرح‌های قرن نوزدهم که از سوی دولت و با دیدگاه‌های استعمارگری اجرا می‌شد به دنبال جذب مهاجران سفیدپوست به ویژه از مناطق شمال اروپا بودند و نخبگان برزیلی کاملاً بر این دیدگاه تکیه می‌کردند که با سفیدپوست کردن کشور، راه برای رشد اقتصادی آن هموار خواهد شد.

در اوایل دهه ۱۹۳۰، انسان‌شناس برجسته برزیلی، **گیلبرتو فریر**^۱ ادعا داشت که ثروتمندی جامعه برزیل ارتباط دقیقی با میراث نژادی مختلط آن دارد. او مدعی بود که پرتغالی‌ها پایه و اساسی را بنیان نهادند که دنیای نوینی در منطقه استوا به وجود آورد. اختلاطی از عناصر آفریقایی، سرخ‌پوست و اروپایی باعث شد فرهنگ برزیلی به صورت منحصر به فرد جلوه نماید. در حالی که بعدها فریر به عنوان یک محافظه‌کار رمانتیک - که واقعیات زندگی رنگین‌پوستان کشورش را نادیده انگاشته بود - مورد انتقاد قرار گرفت، اما او مباحث مربوط به میراث چند فرهنگی کشورش را به خوبی منعکس کرد و آن را به منبعی جهت غرور و فخر و نه تنفر و انزجار، مبدل نمود.

از دیدگاه تاریخی، ظهور هویت ملی برزیل از جهاتی الگویی را مدنظر داشت که در بسیاری از کشورهای استعمارگر اروپایی اجرا شده بود. در طول استعمار (۱۸۲۲ - ۱۵۰۰)، افرادی که در این کشور به دنیا می‌آمدند باید تحت نظر قوانین و مالیات‌هایی بودند که در دوردست‌ها و پرتغال تعیین می‌شد و اکثر شغل‌های رده بالای دوره استعمار را افرادی از کشور مادر (پرتغال) به دست می‌گرفتند. کمبود نسبی قدرت در دست بومیان برزیل و عدم کنترل امور توسط آنان باعث شد تا به دنبال ایجاد هویتی خاص حرکت کنند هر چند که این هویت از عناصر متفاوت تشکیل شده باشند.

برزیل در دوره استعمار در بخش‌های ثروت و قدرت تحت تسلط گروهی از نخبگان سفیدپوست قرار داشت که پرتغالی‌تبار بودند و صاحب مزارع بزرگ نیشکر با کارگرانی سرخ‌پوست و بعدها بردگان آفریقایی به حساب می‌آمدند.

پس از اعلام استقلال برزیل از پرتغال در سال ۱۸۲۲ میلادی، هویت ملی این کشور

۱. Gilberto Freyre

مورد توجه و مذاقه بیشتری قرار گرفت، اما اجزای اصلی این هویت تقریباً دست نخورده باقی ماند. گروه کوچکی از نخبگان اروپایی هم چنان زندگی سیاسی و اقتصادی برزیل را در دست داشتند. اگر چه در این دوران طلا جای شکر را به عنوان منبع اصلی ثروت گرفت (قهوه نیز بعداً جای طلا را پُر کرد) اما توده مردم برزیل را هم چنان بردگان سیاه و افراد رنگین پوست تشکیل می دادند که به عنوان نیروی کار در معادن طلا، مزارع قهوه و مزارع کوچک و با زندگی سخت، فعالیت می کردند.

در حقیقت برزیل تا دهه ۱۸۷۰ کشوری بر پایه رنگ پوست مردمانش بود. در اولین آمارگیری ملی در سال ۱۸۷۲ بیش از ۶۰ درصد جمعیت به عنوان سیاه پوست یا دارای نژاد مختلط دسته بندی شدند. موج وسیعی از مهاجران از اروپایی که به ۲/۵ میلیون نفر می رسید، کمک کرد تا توازن نژادی تا حدی تغییر نماید. در ابتدا چند هزار مهاجر از آلمان و اسپانیا به ترکیب نژادهای کشور افزوده شدند، اما پس از آن در سال ۱۸۸۸ قانون برده داری لغو شد و مهاجرت به حد اعلای خود رسید. در دهه ۱۸۹۰ مهاجرت سفیدپوستان شدت بیشتری گرفت به گونه ای که یک میلیون ایتالیایی در بخش های جنوبی و جنوب شرقی سکنی گزیدند و ده ها هزار نفر از پرتغال به برزیل وارد شدند. در طول همین سال ها مهاجرانی از اروپای شرقی که مشتمل بر یهودیان زیادی بودند نیز به کشور مهاجرت کردند. در اوایل دهه ۱۹۰۰، هر چه تجارت قهوه توسعه و گسترش یافت، موج های نوینی از مهاجران از منطقه خاورمیانه (به خصوص لبنان) و ژاپن وارد برزیل شدند.

پس از جنگ جهانی دوم، برزیل از الگوی همگون سازی که در بسیاری از کشورها دارای درصد بالای مهاجران اجرا شد پیروی کرد. پس از آن که نسل های دوم و سوم در لایه های اقتصادی تغییراتی به وجود آورده و مقیم شدند درجات مختلف «برزیلی بودن» جای آن را گرفتند. آنان با نژادهای دیگر ازدواج کرده و به زبان پیشینیان خود سخن نمی گفتند و این عقیده را پذیرفتند که در درجه اول یک برزیلی هستند.

برزیلی های معاصر نه تنها از فرهنگ مشترکی بهره می برند بلکه بر این نکته تأکید دارند

که از جهت زبان و نژاد با سایر اقوام آمریکایی متفاوت هستند. این دیدگاه ریشه در حس غرور فرهنگی و نیز تفاوت نژادی آنان با دیگران دارد. برزیلی‌ها برای مدت طولانی با همسایگان آمریکای جنوبی خود متفاوت بوده‌اند و ریشه‌های ابریایی (اسپانیایی و پرتغالی) مشترک بین خود را چندان جدی نگرفته‌اند. همان‌گونه که انسان‌شناس برزیلی **داری ریبریو**^۱ اعلام کرده است: «برزیل و آمریکای اسپانیایی تبار به دو جهان متفاوت تقسیم شده‌اند که به یکدیگر پشت کرده‌اند».

۳. روابط قومی و نژادی

برزیلی‌ها از یک ایدئولوژی قوی ملی برخوردارند که طی آن سرزمین آنان سرزمین «**دموکراسی نژادی**» خوانده می‌شود. در این ایدئولوژی جایی برای پیش داوری در زمینه شهروندان سیاه‌پوست این کشور نهاده نشده است. این ایدئولوژی اگر چه در عمل به واقعیت نپیوسته، اما نشان‌دهنده وضعیت روابط نژادها و تفاوت بین آنان در برزیل است. در حالی که عملاً پیش‌فرض‌ها و تبعیض‌های نژادی در کشور وجود دارند. با این حال مردم حس یگانگی خود را حفظ کرده‌اند.

در برزیل برعکس ایالات متحده آمریکا، قانون و رسم واحدی جهت تعریف افراد یا کسانی که احتمالاً پیشینه آفریقایی داشته‌اند، وجود ندارد. بر همین اساس نظام طبقه‌بندی نژادی این کشور پیچیده‌تر و بیشتر با واقعیات منطبق است. در توضیح این مسأله باید گفت که برزیل هیچ‌گاه دارای دو طبقه نژادی مشخص (سیاه و سفید) نبوده است و فرد برزیلی مشتمل بر اشکال مختلفی از نژادهای متنوع است. علاوه بر این، ملاک دسته‌بندی نژادی افراد تنها بر پایه ظاهر، رنگ پوست، نوع موی سر و شکل صورت آنان یا بستگان‌شان نیست، بلکه طبقه اجتماعی، سطح تحصیلات و نوع لباس پوشیدن، همگی در هنگام اختصاص افراد به یک طبقه نژادی تأثیر دارند. برزیلی‌ها در این باب سخنی دارند با این مضمون که «**پول سفیدکننده است**». معنی این عبارت آن

۱. Darcy Ribeiro

است که هر چه طبقه اجتماعی بالاتر باشد، طبقه نژادی که فرد به آن تعلق داشته، کم‌رنگ‌تر خواهد شد. برای نمونه فرد خوش لباس و تحصیل کرده با پوست سیاه و ظاهر فیزیکی سیاه‌پوستان، از جهت ظاهر «سبزه» خوانده می‌شود در حالی که یک کشاورز سفیدپوست احتمالاً می‌تواند در طبقه نژادی سیاه‌تری نسبت به آن چه که ظاهر فیزیکی او نشان می‌دهد، قرار گیرد.

براساس بعضی از شواهد می‌توان ادعا کرد که برزیل از دهه ۱۹۶۰ به سوی نظامی از طبقه‌بندی نژادی مشابه آن چه در آمریکا وجود دارد، حرکت کرد. به همین ترتیب عبارات نژادی مختلفی که قبلاً از سوی برزیلی‌ها استفاده می‌شد به سوی نظام دو شعبه‌ای **برانکو**^۱ و **نگرو**^۲ (به معنی سفید و سیاه) تغییر مسیر داد.

طبقه‌بندی نژادی برزیل از آن چه که فریر اعتقاد داشت و آن را بهشت نژادی می‌نامید فاصله زیادی داشت. براساس بعضی از برآوردها می‌توان این نکته را کاملاً احساس نمود که افراد سیاه‌پوست این کشور بیشتر از سفیدپوستان در طبقه فقرا جای گرفته‌اند و افراد روشن‌پوست و سفیدپوست درآمد ماهانه متوسطی معادل ۲/۵ برابر افراد غیر سفیدپوست دارند. افراد غیر سفیدپوست تحصیلات مدرسه‌ای کمتری دارند به گونه‌ای که درصد بی‌سوادان آنان به ۳۰ درصد می‌رسد در حالی که سایر افراد ۱۲ درصد بی‌سواد دارند.

دانشمندان علوم اجتماعی برای مدت طولانی ادعا داشتند که تبعیض نژادی در برزیل بیشتر به طبقه اجتماعی و کمتر به نژاد فرد ارتباط داشته است. به عبارت دیگر، فرصت‌های زندگی برای افراد فقیر بدون توجه به رنگ پوست آنان، بوده است. اما بر اساس تحقیقات جدید این فرضیه زیر سؤال رفته است. در حالی که درآمد و میزان تحصیلات عوامل مهمی جهت تعیین طبقه اجتماعی افراد را تشکیل می‌دهند، اما افراد غیر

سفیدپوست نسبت به سفیدپوستان از ضرایب نامناسب‌تری در بخش مرگ و میر کودکان و ضریب امید به زندگی بهره می‌برند.

در برزیلی که ادعا شده بهشت نژادهاست، مدتی طولانی جهت تضعیف وضعیت اجتماعی و سیاسی برزیلی‌های آفریقایی تبار تلاش شده است. علاوه بر این به دلیل عدم وجود قانون و قاعده یکسان و مشخص، آگاهی از تبعیض نژادی در برزیل نسبت به آمریکا بیشتر مورد فراموشی قرار گرفته و توجه به آن کمتر شده است. علی‌رغم نکات گفته شده، عبارت کامل و تام برزیلی آفریقایی تبار در سال‌های اخیر مجدداً بین عموم جا افتاده و افراد بیشتری به میراث آفریقایی فرهنگ برزیلی ارجح می‌نهند، نژادپرستی مذموم شمرده می‌شود و یک برنامه کاری مثبت از سوی دولت برزیل آغاز شده که «نقش مثبت نژادها»^۱ نامیده می‌شود.

شهرسازی و معماری

در تاریخ معاصر برزیل تا به امروز مهم‌ترین تغییر جمعیتی، جا به جایی جمعیت اکثریت روستانشین به اجتماعی شهرنشین بوده است. تا سال ۱۹۴۰ بیش از دو سوم برزیلی‌ها در مناطق روستایی زندگی می‌کرده‌اند، اما در سال ۲۰۰۰، نسبت جمعیت روستایی به ۲۲ درصد از مجموع جمعیت کاهش یافته است. ویژگی شهرنشینی از شهرهای کوچک آغاز می‌شود تا مراکز جمعیتی بزرگ مانند سائوپائولو و ریودوژانیرو امتداد می‌یابد.

بعضی از مشکلات غیر قابل اجتناب اجتماعی با شهرنشینی همراهند. شهرهای بزرگ جنوب برزیل مدت زمان طولانی است که مهاجران فقیر نواحی شمال را در خود جای می‌دهند، اما اقتصادهای این شهرها رشد چندانی سریعی نداشته است که بتواند همه این مهاجران را جذب نماید. بیکاری، اشتغال ناقص با درآمد اندک، فقر و جرائم نتیجه این مسأله بوده است. به همین صورت رشد حلی آبادها فزونی می‌یابد. این حلی آبادها

۱. discriminacao positiva

مناطق فقیرنشین و مسکونی‌اند که از دریافت خدمات شهری محروم هستند.

تا قبل از دهه ۱۹۷۰ شهرداری‌های مناطق مختلف سعی می‌کردند با مناطق مسکونی زیر معیار استاندارد مبارزه کنند. آنها با نوسازی این مناطق و خراب کردن و تبدیل به ساختمان‌های نوین با اجاره‌های مناسب و یا ساخت مسکن عمومی (که اغلب از مرکز شهر دور بودند) جهت افراد فقیر، به این کار مبادرت می‌ورزیدند. این تلاش‌های نه چندان موفق، در دهه ۱۹۸۰ با کارهای جدید تغییر یافت به گونه‌ای که سعی شد وضعیت حلبی‌آبادها بهبود یافته و قانونمند گردد.

شهرها به ویژه شهرهای بزرگ از کیفیت زندگی برتری بهره می‌برند که بسیاری از ساکنان برزیل این نکته را ارزش می‌شمارند. از سوی دیگر، بعضی از شهرهای برزیل از کیفیت زندگی خاصی برخوردارند. به عنوان نمونه شهر سائوپائولو که ۱۶ میلیون نفر در آن ساکن هستند و یکی از شهرهایی است که سریع‌ترین رشد را در جهان داشته‌اند و رشد جمعیت این شهر معادل [رشد] نیویورک، شیکاگو و دیترویت بر روی هم در آمریکا است. در قیاس با این نکته، مناطق روستایی عموماً از سوی شهرنشینان به عنوان مناطقی عقب افتاده، با وضعیت نامشخص و همراه با فقر دائم دیده می‌شوند.

شهرها نقش مهمی در تاریخ برزیل بازی کرده‌اند. در مجموع کمتر کشوری را می‌توان یافت که دارای سه پایتخت باشد. در طول دوره استعمار و هنگامی که شکر حرف اول را می‌زد شمال شرقی کشور مرکزیت داشت و شهر **سالوادور** پایتخت دوره فوق به حساب می‌آمد. با شروع دوره **طلا** طی قرن هجدهم که در ایالت **میناس جرایس**^۱ در منطقه جنوب شرقی کشور متمرکز شده بود، مرکزیت کشور به شهر **ریودوژانیرو** رسید و این شهر تا سال ۱۹۶۰ و پایه‌گذاری **برازیلیا** به عنوان پایتخت، هم‌چنان این عنوان را داشت.

معماری شهری کشور برزیل بیشتر مدیون قواعد دوره استعماری **پرتغال** است.

شهرهایی چون اوروپرتو^۱ و ریودوژانیرو خیلی پیش از صنعتی شدن و ورود کارخانه‌ها و خودروها، به صورت مراکز مهم و حساس درآمد بودند. این شهرها که خود به عنوان الگوهای شهرسازی در کل کشور مطرح شدند عمدتاً به روش شهرهای پرتغال ساخته شدند. منطقه‌ها و محلاتی که در دوره استعمار ساخته شدند از خیابان‌های باریک همراه با ساختمان‌های ممتد تشکیل شده‌اند که منتهی به میدان‌های مرکزی می‌شوند. این مناطق باز، اغلب، محل ساخت کلیساها یا ساختمان‌های دولتی بودند. طراحی برازیلیا به گونه‌ای صورت گرفته که از یک سو شهری مدرن و نوین باشد و از طرف دیگر معماری و طرح‌ریزی آن نشان دهنده جامعه برزیل باشد. در طراحی برازیلیا هیچ قاعده خاصی جهت اسکان هزاران کارگری که شهر را ساختند یا هزاران نفری که قرار است خدمات آن را انجام دهند، دیده نشده است. تنها قاعده‌ای که در این رابطه وجود دارد، ضمیمه کردن اتاق‌های کوچک خدمت کاران به آپارتمان‌های طبقه متوسط است.

شکایت‌های ساکنان برازیلیا حاکی از استفاده سنتی از فضای ساخت و ساز شهری در برزیل است. چرا که بسیاری از آنان از نحوه طراحی خیابان‌ها که فضای حمل و نقل اندکی در اختیار افراد می‌گذارد و باعث ترافیک می‌شود شکایت دارند.

خوراک

۱. خوراک روزانه

برنج و حبوبات هسته رژیم غذایی برزیلی‌ها را تشکیل می‌دهند و تقریباً به صورت مرتب از سوی کلیه طبقات اجتماعی و در تمام نقاط کشور مورد استفاده قرار می‌گیرند. مهم‌ترین وعده غذایی به طور سنتی پس از اواسط روز و مشتمل بر چند ترکیب غذایی مصرف می‌شود. خانواده‌های طبقه متوسط و نخبگان از یک غذای کامل با گوشت ماهی همراه با برنج، حبوبات و مانیوک همراه با دسری شیرین یا میوه استفاده می‌کنند. پس از

این غذا معمولاً قهوه تند برزیلی یا کافه زینو^۱ صرف می‌شود. اما فقرا این وعده غذایی را اصولاً با برنج و حبوبات درست می‌کنند. هر چه برزیل شهرنشین‌تر و صنعتی‌تر شده است غذاهای سنتی خانواده که در میانه روز مصرف می‌شد جای خود را بیشتر به شام داده است. در مناطق روستایی کارگران مزارع کشاورزی که روزمزد هستند از غذاهای سرد در داخل همین ظرف‌ها استفاده می‌کنند. غذاها را می‌توان با نوشابه‌های غیر الکلی مانند گوارانا^۲ که از میوه ای که در آمازون رشد می‌کند تهیه می‌شود و یا آب بسته‌بندی شده، مصرف نمود.

۲. رسوم غذایی در مناسبات و مراسم سنتی

در حالی که غذاهای اصلی که در برزیل مصرف می‌شود در کل کشور به صورت نسبتاً یکسان به کار برده می‌شود، در هر منطقه‌ای غذاهای خاصی وجود دارد که بسیاری از آنها در جشنواره‌ها مصرف می‌شوند. در ایالت باهیا - که در منطقه شمال شرقی واقع شده است - غذاهایی با منشأ آفریقایی در مراسم و مهمانی‌ها مصرف می‌شود. این غذاها شامل واتاپا^۳ (مشممل بر روغن نخل، میگوی خشک، بادام زمینی و فلفل‌های مالاگوئا) و آکاراچه^۴ (حاوی نخود به میزان زیاد) می‌شوند. مجموعه‌ای از میوه‌ها و ماهی‌های بومی آمازون در غذاهای این منطقه یافت می‌شوند در حالی که در جنوب کشور که گله‌های گاو و گوسفند زیادی در آن منطقه وجود دارند، غذاهایی با گوشت کباب شده بیشتر مورد توجه هستند.

غذای ملی برزیل که فی جوآدا^۵ (به معنای لوبیای آب‌پز) نام دارد در طول دوره برده‌داری مرسوم شده است. این غذا به صورت سنتی شامل قطعاتی از گوشت ارزان و غیرقابل توجه مانند سیرابی است و بردگان برزیلی این غذا را با استفاده از پس مانده‌های میز اربابان خود تهیه می‌کردند. فی جوآدا معمولاً در روزهای چهارشنبه و

۱ - Cafezinho

۲ - guarana

۳ - Vatapa

۴ - acaraje

۵ - Feijoada

شنبه در رستوران‌ها دیده می‌شود و هرگاه در خانه پخته شود، یکی از مطلوب‌ترین غذاها برای میهمانان است.

اقتصاد

۱- اقتصاد پایه

برزیل امروزه هشتمین اقتصاد جهان را به خود اختصاص داده است. این کشور یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان محصولات کشاورزی چون نیشکر، سویا، پرتقال، قهوه، کاکائو، برنج، گوشت و پنبه محسوب می‌شود. برزیل هم‌چنین از عرضه‌کنندگان اصلی گوشت قرمز محسوب می‌شود و گله‌های بزرگ گاو و گوسفند در مناطق جنوبی و غربی کشور دیده می‌شوند. علی‌رغم این نکات، از آنجا که بخش صنعت رشد سرسام‌آوری داشته است، بخش کشاورزی تنها ۱۳ درصد از تولید ناخالص داخلی این کشور را به خود اختصاص داده است.

بخش کشاورزی به صورت مستقیم و غیرمستقیم حدود یک چهارم از نیروی کار برزیل را به کار گرفته است. مجموعاً ۵ میلیون نفر کارگر کشاورزی در مزارع شمالی (با محصولاتی از قبیل نیشکر، پنبه، قهوه و کاکائو) و بنگاه‌های مکانیزه کشاورزی جنوب شرقی و جنوب (با محصولاتی چون سویا، نیشکر و پرتقال) مشغول به کار هستند. بیش از ۷۰ درصد از این کارگران بدون هرگونه قرارداد یا بیمه و تأمین اجتماعی کار می‌کنند و حدود ۴۰ درصد نیز به طور سالانه قرارداد دارند. هم‌چنین ۴/۸ میلیون خانوار بی‌زمین در برزیل وجود دارند که تنها از طریق کار کردن برای دیگران و اشتراک در محصول آنان یا اشتغالات موقت زندگی را می‌گذرانند.

در دهه‌های آخر قرن بیستم، افزایش مکانیزاسیون و در اختیار گرفتن بهترین زمین‌های کشاورزی از سوی شرکت‌های بازرگانی و کشاورزی باعث شد تا انتقال مزارع خانوادگی کوچک از سرعت بیشتری برخوردار شود. با این وجود، هم‌چنان حدود ۵ میلیون مزرعه خانوادگی با زمین‌های بین ۵ تا ۱۰۰ هکتار - که مجموعاً ۵۸

میلیون هکتار از زمین‌هایی کشور را شامل می‌شوند - وجود دارند. در قیاس با مورد فوق، بنگاه‌های بزرگ بازرگانی و کشاورزی تقریباً سه برابر میزان بالا وسعت دارند. در طول دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، برزیل با استفاده از نوسازی کشاورزی رشد اقتصادی مناسبی را تجربه کرد. تا اوایل دهه ۱۹۸۰، تولیدات کشاورزی به حدی افزایش یافت که برزیل به عنوان **چهارمین** صادر کننده محصولات کشاورزی در دنیا مطرح شد، اما در همان زمان برزیل قادر نبود تا مردم کشور خود را به صورت برابر سیر کند. این کشور ششمین کشور دنیا، پس از **بنگلادش، هند، پاکستان، اندونزی و فیلیپین** از جهت نبرابری مصرف مواد غذایی محسوب شده است.

۲- مالکیت و زمین

جدای از نبرابری‌ها در میزان مالکیت زمین در بسیاری از بخش‌های کشور برزیل به ویژه در محدوده **آمازون**، تملک زمین همراه با اطمینان و ایمنی نیست. در محدوده آمازون صاحبان ثروتمند زمین‌ها، تفنگدارانی را استخدام می‌کنند تا مطمئن شوند دوره گرد‌ها در زمین آنان ساکن نمی‌شوند. در حقیقت عدم ایمنی از مالکیت زمین در اواخر قرن بیستم منجر به وقوع حوادث وحشتناکی در منطقه فوق شده است. البته نقاط روشنی در زمینه امنیت مالکیت زمین به چشم می‌خورد. اگر چه تجاوز به منابع طبیعی به ویژه در منطقه آمازون از سوی جویندگان طلا، گله چرانان و سایرین هم‌چنان مشکلی است که بروز می‌کند، اما امروزه در برزیل ۲۷۰ گروه از بومیان به صورت قانونمند در منابع طبیعی زندگی می‌کنند. هم‌چنین هم‌اکنون زمین به صورت اهدایی به بعضی از جوامع شمالی برزیل که از برده‌های فراری تشکیل شده بودند داده می‌شود.

۳- صنایع عمده

برزیل امروزه یکی از پیشرفته‌ترین صنایع را در آمریکای لاتین دارا است و از مهم‌ترین تولیدکنندگان و صادر کنندگان خودرو، منسوجات، کفش، محصولات مصرفی با کیفیت، فولاد، دارو، لوازم پزشکی و محصولات پتروشیمی به حساب می‌آید. فعالیت صنعتی در منطقه جنوب شرقی کشور متمرکز شده است و حدود نیمی از

محصولات صنعتی به تنهایی در ایالت سائوپائولو تولید می‌شود. هم چنین در همین منطقه عمده مشاغل یکپارچه شده صنعتی کشور وجود دارند. به همین دلیل پس از دهه ۱۹۷۰ مهاجرت از شمال شرق به جنوب شرق و از مراکز روستایی به شهری شدت بیشتری گرفت. بعدها و پس از شیوع بیکاری در منطقه جنوب شرقی و نیز معافیت‌های مالیاتی باعث گشت تا سرمایه‌گذاری‌های صنعتی در شمال شرقی افزایش یابد و مسیر مهاجرت تا حدودی برعکس شود.

۴- توزیع مشاغل

یکی از مهم‌ترین وجوه تفاوت در جامعه برزیل بین افرادی است که کار بدنی می‌کنند و افرادی که این گونه کار نمی‌کنند، امروزه تنها طبقه کارگر و فقرا هم چون گذشته‌ها با دستان خود فعالیت می‌کنند. این نوع تقسیم‌بندی از ریشه‌های تاریخی عمیقی برخوردار است و از رفتار اشرافی که طی دوره استعمار ظهور یافت (به ویژه رفتار صاحبان مزارع نیشکر) برگرفته شده است. طی آن دوره مردان طبقه فوق ناخن انگشت اشاره خود را بلند می‌گذاشتند تا نشان دهند که هیچ‌گاه در کار فیزیکی شرکت نداشته‌اند.

گاهی اوقات طبقه متوسط برزیل را به عنوان افرادی که یقه و کراوات دارند معرفی می‌کنند چرا که یکی از مهم‌ترین علائم طبقه فوق داشتن شغلی از نوع یقه سفید (اداری) است. در برزیل از طریق این تعریف، افرادی که با دستان خود کار می‌کنند جزء طبقه متوسط نیستند. به همین دلیل است که خانواده‌های طبقه متوسط برزیل بسیار علاقه‌مند به استخدام خدمتکار خانه هستند و برای یک زن خانه‌دار طبقه متوسط برزیلی چندان جالب نیست که زانو زده و کف خانه را تمیز نماید.

طبقه‌بندی اجتماعی

۱- طبقات اجتماعی و اصناف

برزیلی‌ها^۱ تقسیم بین فقرا و ثروتمندان را به «مسأله اجتماعی» تعبیر می‌کنند که از

۱. با این که برزیل، کشوری بسیار غنی است، اما متأسفانه فقر گسترده در آن کشور وجود دارد تا جایی که دهها میلیون نفر فقیر و بیش از ۸ میلیون کودک آواره در آن وجود دارد.

دوره استعمار از وجوه مشخصه کشور بوده است. در طول اولین دهه‌های قرن بیستم و با روند صنعتی و شهرنشین شدن کشور و با رشد طبقه متوسط در برزیل این تقسیم‌بندی ساده تا حدی به پیچیدگی برخورد کرد. امروزه و براساس چگونگی تعریف، طبقه متوسط در حدود یک پنجم تا یک سوم جمعیت را تشکیل می‌دهند، اما منابع و نحوه زندگی اعضای این طبقه بسیار متفاوت است. بعضی ادعا می‌کنند که طبقه متوسط برزیل از ارزش‌های نخبگان بهره‌مند بوده و آرزوی رسیدن به جایگاه نخبگان را دارد. این نکته درست است چرا که در حقیقت خانواده‌های طبقه متوسط بیشتر علاقه دارند تا خدمتکار خانگی استخدام کنند و فرزندان خود را در مدارس خصوصی ثبت‌نام نمایند. علاوه بر این در اواخر دهه ۱۹۸۰، اعضای طبقه متوسط برزیل بودند که با تورم افسار گسیخته مورد هجوم قرار گرفتند و سعی کردند تا آینده خویش را با مهاجرت به **آمریکای شمالی، اروپا و ژاپن، جست و جو کرده و بیابند.**

اما با ایجاد ثبات در ارزش پول ملی برزیل و کاهش سریع تورم در اواسط دهه ۱۹۹۰، بارقه‌ای از امید ایجاد شد. براساس برآوردها، حدود ۱۹ میلیون برزیلی از طبقه فقیر کارگر به طبقه متوسط تحتانی ارتقاء یافته‌اند. این افراد برای اولین بار پولی داشتند که می‌توانستند جهت خرید کالاهای مصرفی هزینه کنند. افرادی نیز که در طبقه فقرا باقی ماندند از مزایای ثبات قیمت‌ها استفاده بردند و راحت‌تر از گذشته می‌توانستند نیازهای اساسی خود مانند گوشت، مرغ، تخم مرغ و حبوبات را تهیه نمایند.

۲- نمادهای طبقه‌بندی اجتماعی

برزیلی‌ها همواره متوجه تفاوت‌های طبقاتی هستند و در برخوردها به سرعت به سراغ شکاف‌های اجتماعی می‌روند که بین آنان و سایرین وجود دارد. معیارهای موجود جهت تشخیص این فواصل بر پایه ظاهر و درست صحبت کردن فرد، قرار داده شده است. درجه‌بندی افراد براساس فرهنگ لغت و دستور زبانی که او به کار می‌گیرد از همین طریق و میزان تحصیلات او نیز مشخص می‌شود به عنوان ملاک سطح تحصیل و به همین ترتیب طبقه اجتماعی او به کار می‌رود. بر همین اساس الگوی

تفاوت‌ها و ضعف و قدرت دو فرد که به دو طبقه اجتماعی مختلف تعلق دارند تعیین می‌شود. هنگامی که این الگوها به فراموشی سپرده شوند نخبگان از افراد پایین تر از خویش سؤال خواهند کرد که: «آیا می‌دانی با چه کسی حرف می‌زنی؟» این عکس‌العمل وقتی رخ خواهد داد که فردی از طبقه و موقعیت بالاتر از سوی فردی از موقعیت پایین تر مورد بی‌توجهی خاص قرار گیرد.

وضعیت سیاسی

۱- حکومت

قانون اساسی فدرال ارائه کننده سه قوه مستقل جهت حکومت است: قوه اجرایی، قانون‌گذاری و قضایی. اگر چه این قانون چندین بار طی قرن گذشته مورد بازنگری قرار گرفته است (که آخرین آنها در سال ۱۹۸۸ بوده است) اما سه قوه مستقل فوق همواره در آن مورد شناسایی قرار گرفته‌اند. شرکت در انتخابات به صورت کشوری و اجباری است؛ البته برای شهروندان باسواد که بین ۱۸ تا ۷۰ سال سن داشته باشند و برای کسانی که سواد ندارند اجباری نیست.

۲- رهبری و مقامات سیاسی

برزیل در اواسط دهه ۱۹۸۰ و پس از دو دهه دیکتاتوری نظامی، به انتخابات آزاد بازگشت. چرا که دیکتاتوری در بخش‌های برابری اجتماعی و حقوقی و نیز نابرابری توجه به ثروتمندان و فقرا، استمرار گذشته را حفظ کرده بود. مقامات رسمی و ثروتمندانی که هر چه می‌خواهند انجام می‌دهند هم چنان علاقه‌مند به فرار از قانون هستند. البته این مسأله در کسانی که در موقعیت اجتماعی پایین‌تری قرار دارند کمتر دیده می‌شود. بخشی از مسأله به این نکته باز می‌گردد که برزیل کشوری است که قوانین و مقررات کافی را دارد اگر چه بخش مهمی از این قوانین مورد فراموشی قرار می‌گیرند. امروزه آگاهی‌ها از فساد سیاسی افزایش یافته به گونه‌ای که برزیلی‌ها دیگر اصل مصونیت را قبول ندارند و خواهان پاسخ‌گویی مقامات دولتی هستند.

توجه به یک مفهوم جهت فهم فرهنگ سیاسی این کشور مؤثر است. مفهومی به نام

جیتوس^۱ - که به معنای راه‌های عبور از موانع مانند مقررات و خطوط قرمز جهت رسیدن به فرجامی دلخواه است - را می‌توان پاسخی به نظام بروکراتیک مشکل‌زای برزیل دانست که طی آن حکومت به دولتی کاغذباز جهت دریافت اسناد مختلف مانند گواهی‌نامه رانندگی و سند ازدواج تبدیل می‌شود. در این نظام افرادی که می‌توانند رشوه‌دهندگان متخصصی را که به ریز و درشت رشاء و ارتشاء مسلطند، استخدام کنند و می‌توانند هر کاری را انجام دهند. سایر افراد نیز مستقلاً به کار جیتوس مشغولند و با دادن هدایای کوچک به کارمندان رده پائین دولتی، به سند و مدرک دلخواه خویش دست می‌یابند. یکی دیگر از کلیدهای فهم فرهنگ سیاسی برزیل توجه به نظام فردی روابط بین افراد است. در این نظام فردی به عنوان کارمند دولت یا سیاستمدار، از طریق گسترش روابط احساسی و کمک گرفتن از شبکه‌های خصوصی، سلسله مراتب پیشرفت را طی می‌کند. افراد آگاه به دنبال حامیان پر قدرت - که می‌توانند پشتیبان آنها بوده و باعث ارتقای‌شان شوند - هستند. نقش و اهمیت این افراد با افزایش و کاهش نقش حامی تغییر پیدا خواهد کرد.

۳- کنترل و نظارت

با توجه به نابرابری‌های فاحش اقتصادی این کشور، کنترل امور اجتماعی همواره با مشکلات همراه بوده است و حتی در اواخر قرن بیستم نسبت به گذشته فزونی یافته است. ضریب بالای جرایم به ویژه در مناطق شهری بزرگ یکی از موضوعات همیشگی گفت و گوهاست. گروگان‌گیری، تجاوز، ضرب و شتم و نیز قتل یکی از موضوعات مستمر مورد توجه رسانه‌هاست. برای نمونه نسبت قتل در سائوپائولوی بزرگ حدود پنج برابر بیش از شهر نیویورک است. قتل افراد به دست پلیس به ویژه در مناطق فقیرنشین زیاد دیده می‌شود. رؤسای شرکت‌ها از ترس و به دلیل ناامنی با خودروهای ضد گلوله تردد می‌کنند، محلات مرفه‌نشین به عنوان مناطق شخصی و خصوصی در نظر گرفته می‌شوند و مجتمع‌های مسکونی با دیوارهای بلند محافظت می‌شوند. اگر چه

در این فضای شهری بین ثروتمندان و فقرا، ده‌ها هزار کودک خیابانی به زندگی مشغولند که بیانگر واقعیات تلخ موجود هستند.

۴- فعالیت‌های نظامی

نقش ارتش در برزیل پس از پایان دوره دیکتاتوری نظامیان از سال ۱۹۶۴ تا ۱۹۸۵ به طور محسوسی کاهش یافته است. در سال ۲۰۰۰ سه نیروی زمینی، دریایی و هوایی، ارتش را شکل می‌دادند که تحت مسئولیت وزارت جدید دفاع به فعالیت می‌پردازند. علی‌رغم آن که این سامان‌دهی نوین باعث به وجود آمدن اعتراضات محسوسی به ویژه در شاخه ملی‌گرای نیروی هوایی شد، هیچ نشانه دیگری که حاکی از توانایی یا خواست نیروهای ارتش برزیل جهت بازپس گرفتن قدرت از طریق یک کودتای نظامی باشد، یافت نشد.

۵- رفاه اجتماعی

کشور برزیل مدت‌ها است که از نظام‌های رفاه و تأمین اجتماعی برخوردار است، اما این نظام‌ها کار چندانی برای کارگران فقیر صورت نداده‌اند و بیشتر به انجام کار ویژه‌های حکومتی مشغول بوده‌اند. این کشور هم‌چنین از جهت قانون‌گذاری در امور اجتماعی از بسیاری از کشورهای در حال توسعه جلوتر است که نمونه آن را می‌توان در مرخصی با حقوق دوران حاملگی یافت، اما این مورد شبیه به بسیاری قانون‌ها اغلب زیر پا گذاشته می‌شود.

یکی از برنامه‌های موفق اجتماعی که مورد توجه عموم نیز قرار گرفت برنامه افزایش عمر کودکان بود که از سوی فرماندار ایالت سعارا^۱ در مناطق شمال شرقی فقیر به اجرا درآمد. در اثر اجرای این برنامه بهداشتی آموزشی درصد مرگ و میر نوزادان در ایالت فوق، در طول یک دوره چهار ساله به میزان یک سوم کاهش یافت.

۶- سازمان‌ها و نهادهای غیردولتی

بدون شک جنبش کارگران روستایی بی‌زمین که به اختصار «MST»^۲ خوانده

۱ - Ceara

۲ - Movimento dos trabalhadores rurais Sem Terra

می‌شود معروف‌ترین سازمان غیر دولتی برزیل امروزی محسوب می‌شود. این نهاد که هم اکنون ۵,۰۰۰,۰۰۰ نفر عضو دارد از اواسط دهه ۱۹۸۰ و پس از آن که دولت فدرال از برنامه اصلاحات ارضی فاصله گرفت سعی کرد تا زمین‌های موات را با سازمان دهی تحت اشراف خویش درآورد. نحوه عمل به این صورت است که ابتدا تعدادی خودرو در شب، زمینی را به اشغال در می‌آورند و سپس تا طلوع آفتاب تعداد زیادی از مردم به این زمین هجوم می‌آورند به گونه‌ای که پلیس دیگر قادر نیست این زمین را برگرداند. این نحوه تصرف ارضی از اواسط دهه ۱۹۹۰ شدت گرفته است که یکی از دلایل آن حمایت و همراهی رسانه‌های برزیل از سازمان *MST* و حرکت آن به مسیری عدالت‌خواهانه است.

از سوی دیگر و نیز در پاسخ به حرکت سازمان فوق تا پایان سال ۱۹۹۸ برنامه اصلاحات فدرال کشاورزی حدود ۲۹۰.۰۰۰ خانوار زارع را در حدود ۷/۳ میلیون هکتار زمین سکنی داد و رئیس جمهور [وقت]، فرناندو هنریکو کاردوسو قول داده است تا این روند تسریع شود.

در طول دهه گذشته بسیاری دیگر از سازمان‌های غیر دولتی برزیل تأسیس شده‌اند که با مشکلاتی چون کودکان خیابانی، فقر روستایی، گرسنگی، مسائل زیست محیطی، مسائل زنان و حقوق بومیان، مقابله می‌نمایند. بعضی از این سازمان‌ها مورد توجه نهادهای بین‌المللی و حمایت خارجی قرار گرفته‌اند.

نقش‌ها و حقوق جنسیتی

۱- تقسیم جنسیتی کار

در برزیل نقش زنان و مردان با توجه به طبقه اجتماعی، نژاد و محل زندگی آنان تا حدی متفاوت است. زنان سفیدپوست نخبه که از طبقه متوسط نیز هستند و در مراکز بزرگ شهری زندگی می‌کنند، عموماً نسبت به خواهران روستایی فقیر و دارای پوست تیره‌تر خود، از انتخاب‌های شغلی و رفتاری بیشتر و متنوع‌تری برخوردارند. علی‌رغم این مسأله و حتی هنگامی که زنان در شغلی استخدام می‌شوند مردان هم چنان به عنوان

تهیه‌کنندگان اصلی مایحتاج خانواده نگر بسته می‌شوند و کمک‌های مادی زنان، به عنوان مکمل دیده می‌شوند. علاوه بر این زنان چه در داخل یا خارج خانه مشغول به کار باشند و مستخدمان خانگی به کمک آنها بیایند یا خیر، مسئول عملکرد صحیح امور داخل خانه محسوب می‌شوند.

امروزه تقریباً ۴۰ درصد از زنان برزیلی در خارج از خانه مشغول به کارند، در حالی که آنان تنها ۲ درصد از مشاغل مدیریتی را در دست دارند. هم چنین تعداد زنان شاغل بخش صنعت از سال ۱۹۷۰ سه برابر شده است، اما آنان عمدتاً در اشتغالات سطوح تخصصی پائین و با درآمد اندک در بخش منسوجات و الکترونیک به کار گرفته می‌شوند. زنان فقیر به ویژه ۲۰ درصدی که سرپرست خانوار هستند هر کاری که قادر به انجام آن باشند می‌پذیرند. زنان برزیلی آفریقایی تبار به ویژه در این بخش مورد تبعیض قرار می‌گیرند و حدود ۷۰ درصد آنان به کارهای کشاورزی، اشتغال در کارخانه و خدمات اجتماعی سطح پائین می‌پردازند.

۲- جایگاه متقابل زنان و مردان

اکثر مردان پرتغالی استعمارگر، مفهوم برتری مردان بر زنان را همراه خود به این کشور آوردند. در این دیدگاه، مردان، مظهر قدرت و توانایی و زنان، مظهر ضعف و ناتوانی هستند. این مفهوم هم چنان در برزیل پابرجاست و به همین دلیل نسبت به سایر جوامع آمریکای لاتین، توجه و حساسیت کمتری نسبت به این موضوع وجود دارد. در برزیل ترکیب این مفهوم با سلسله مراتب خاص کلیسای کاتولیک باعث شده است تا تسلط و برتری مردان کاملاً نهادینه شود. این کشور مانند بسیاری دیگر از کشورهای آمریکای لاتین از معیارهای دوگانه در امور جنسیتی زنان و مردان برخوردار است. مردان به طور سنتی می‌توانند تمایلات خویش را از طریق چند ازدواج برآورده سازند و از زنان انتظار می‌رود تنها منحصر به همسرانشان باشند و پس از ازدواج به پیمان خویش وفادار بمانند، بسیاری از جرائم به دلیل وجود همین معیارهای دوگانه است.

زنان در برزیل مدت زمان زیادی از مساوات قانونی با مردان محروم بوده‌اند. آنان تا سال

۱۹۳۲ نمی‌توانستند رأی دهند و تا دهه ۱۹۶۰ از دیدگاه قانون معادل کودکان بودند. آنان جهت خروج از کشور باید از پدر و شوهر خود مجوز داشتند و نمی‌توانستند برای خود حساب بانکی داشته باشند.

پس از گذشت مدت‌های طولانی از جنبش عدالت‌خواهی زنان در ایالات متحده آمریکا، حرکت‌هایی در برزیل مشاهده شد که در قانون‌گذاری و روند سیاسی تأثیراتی داشت و در ابتدای قرن بیست و یکم، نتایج آن به چشم می‌آید. این جنبش در حالی که تا حدودی موفق بود و برای مثال در مورد ایجاد ایستگاه‌های ویژه پلیس جهت زنانی که مورد سوء استفاده قرار گرفته‌اند، اما سقط جنین هم‌چنان علی‌رغم فراوانی آن، غیرقانونی است. تأکید بر جوانی و زیبایی به عنوان یک عامل ارزشی در زنان هم‌چنان پابرجا است و به همین دلیل جراحان پلاستیک برزیلی از معروفیت جهانی برخوردارند.

ازدواج، خانواده و روابط خویشاوندی

۱- ازدواج

هر دو نوع ازدواج مذهبی و قانونی در برزیل وجود دارد، اما ازدواج مذهبی به ویژه در مناطق شهری رو به کاهش است. فقرا هر دو نوع ازدواج را انجام می‌دهند اما کمتر علاقه دارند تا مانند افرادی که از موقعیت اجتماعی بالاتری برخوردارند ازدواج خود را قانونی کنند، علی‌رغم مخالفت شدید متولیان کاتولیک، از سال ۱۹۷۷ به این سوء طلاق از نظر قانونی ممکن شد.

۲- نهاد خانواده

خانواده‌ها معمولاً از والدین و کودکان تشکیل شده‌اند اما این واحد خانوادگی از سایر واحدها جدا نیست. فرهنگ برزیلی اهمیت بسیار بالایی به پیوندهای گسترده خانوادگی می‌دهند و برزیلی‌ها جدای از طبقه اجتماعی علاقه ندارند که با فاصله از یکدیگر زندگی کنند. دختران و پسران بزرگ شده معمولاً تا زمان ازدواج در خانه می‌مانند و سپس در نزدیکی والدین مسکن می‌گزینند.

۳- ارث

برزیلی‌ها از گذشتگان خود هم از طریق مادر و هم از طریق پدر ارث می‌برند. آنان معمولاً دو نام خانوادگی دارند که یکی مربوط به خانواده مادر و دیگری مربوط به خانواده پدر است. هنگامی که یک زن ازدواج می‌کند معمولاً نام خانوادگی شوهر خود را به نام خویش اضافه کرده و نام خانوادگی مادر خود را کنار می‌گذارد در حالی که فرزندان او به نام خانوادگی پدر مادر خویش همراه با نام پدر خوانده می‌شوند که همگی بیانگر اصل بودن پدر است.

۴- گروه‌های خویشاوندی

هنگامی که برزیلی‌ها از خانواده صحبت می‌کنند آنان معمولاً گروهی را مدنظر دارند که دایره شمول آن بسیار وسیع‌تر از همسر و فرزندان است. این گروه بزرگ که «پرنتملا» نامیده می‌شود شامل کلیه فامیل‌های پدری و مادری همراه با فامیل‌های سببی (فرزند خوانده و غیره) است. این گروه در هسته زندگی اجتماعی قرار دارد و در هنگام نیاز عملاً به اعضای خود کمک می‌رساند. چنین حمایت‌هایی را می‌توان از طریق دوست‌یابی مرسوم در میان خانواده‌ها، به دست آورد که در آن والدین، دوستان و حامیان دیگری غیر از خود را برای فرزندان خویش می‌یابند. بعضی ادعا دارند که وجود شبکه‌های مختلف فامیل‌ها و دوستان در برزیل باعث شده تا رشد نهادهای خارج از خانواده با مشکل رو به رو شود که از جمله این نهادها می‌توان به انجمن اولیا و مربیان و کلوپ‌های مدنی اشاره نمود.

تربیت و آموزش کودکان

فرصت‌های آموزشی هم چون بسیاری دیگر از ابعاد زندگی برزیلی با طبقه اجتماعی ارتباط مستقیمی دارد. در این کشور هیچ‌گاه هزینه اساسی در بخش آموزش عمومی صورت نگرفته است و بسیاری از خانواده‌های طبقه متوسط و نخبه، فرزندان خویش را به مدارس خصوصی می‌فرستند. مسأله آموزش هم‌چنین با نژاد و جغرافیا

ارتباط دارد. یک شخص سفیدپوست در مناطق جنوب شرقی به طور متوسط ۶/۶ سال را در مدرسه گذرانده است، در حالی که فرد رنگین پوست که در منطقه شمال شرقی زندگی می‌کند تنها ۳/۵ سال عمر خود را در مدرسه طی کرده است.

علی‌رغم تخصیص اندک اعتبارات مالی طی چهار دهه پایانی قرن بیستم، رشد قابل ملاحظه‌ای در تعداد افرادی که در مدرسه حاضر می‌شده‌اند و در نتیجه افزایش ضریب باسوادی به چشم می‌خورد. به گونه‌ای که در سال ۲۰۰۰ حدود ۸۲ درصد از برزیلی‌ها باسواد بوده‌اند. در سال ۱۹۶۰ حدود نیمی از جمعیت از سواد بسیار اندکی برخوردار بوده‌اند یا اساساً بی‌سواد بوده‌اند که این آمار تا سال ۱۹۹۰ به ۲۲ درصد کاهش یافت.

آموزش عالی

در برزیل دو سوم مجموع بودجه‌های عمومی آموزشی در دانشگاه‌ها هزینه می‌شود و یک سوم باقی مانده نیز صرف آموزش ابتدایی و دبیرستان می‌شود. دانشگاه‌های دولتی که اغلب نسبت به رقبای خصوصی خود برتر به حساب می‌آیند هیچ شهریه‌ای دریافت نمی‌کنند، اما امتحانات ورودی بسیار سختی دارند و معمولاً دانشجویان ورودی به آنها از جمله افرادی هستند که در مدارس خصوصی با معیارهای آموزشی عالی‌تر تحصیل کرده‌اند.

ارزش‌های موجود جهت تحصیل در بخش آموزش عالی از سوی قسمت‌های خاصی از جامعه برزیل می‌تواند بیانگر این نکته باشد که به چه دلیل هزینه‌های سنگین در این بخش مصرف می‌شود.

در برزیل گفته می‌شود که موفقیت اقتصادی بیشتر از طریق اطلاع فرد از آن چه که قدرتمندان می‌دانند، است و محل تحصیل فرد بر طرز تلقی قدرتمندان از او تأثیر دارد. بر همین اساس، تحصیلات دانشگاهی جدای از این که افراد را جهت کار در تخصصی ویژه تربیت می‌کند باعث می‌شود تا آنان جایگاه اجتماعی پیدا کنند که با ایجاد روابط خصوصی بر موفقیت آینده خویش تأثیرگذار شوند.

آداب معاشرت

برزیلی‌ها در قیاس با ساکنان شمالی قاره آمریکا حساسیت کمتری نسبت به محدوده خصوصی خویش دارند و از فشرده شدن در مناطق عمومی شلوغ ناراحت نمی‌شوند. آنان با رفتارهای فیزیکی احساس خود را بیان می‌کنند و از طریق حس لامسه اطلاعات عاطفی خود را مبادله می‌کنند. اگر چه در بعضی از جوامع لمس کردن فرد، ناخوشایند است، اما برزیلی‌ها آن را معادل دوستی و نشانی از توجه به فرد می‌دانند. برزیلی‌ها معمولاً اساتید، دکترها، کشیش و سایر مقامات رسمی را با ذکر عنوان آنان پیش از نام ذکر می‌کنند مانند: استاد ژائو، دکتر ماکسین یا رئیس جمهور هنریکو.

در مورد زبان رفتاری و چگونگی نام بردن دیگران نیز با توجه به طبقه اجتماعی فرد، اشکال مختلفی مشاهده می‌شود. فارغ‌التحصیلان دانشگاه یا گاهی اوقات افرادی که آموزش‌های خوبی دیده‌اند با ذکر عنوان دکتر معرفی می‌شوند.

برزیلی‌ها هم چنین دیدگاه‌های آزادی درباره پوشیدگی دارند. از جمله شواهد این مسئله لباس‌های خاصی است که از سوی اجرا کنندگان کارناوال‌ها پوشیده می‌شود که مشتمل بر لباس‌های اندک است.

دین

اعتقادات دینی

برزیل بزرگ‌ترین کشور کاتولیک دنیا محسوب می‌شود. اگر چه درصد افرادی که خود را متعلق به کلیسا می‌دانند در سال‌های اخیر کاهش یافته است؛ به کشور برزیل که در دهه ۱۹۵۰، حدود ۹۵ درصد پیرو دین کاتولیک داشته است. امروزه حدود ۷۳ درصد از برزیلی‌ها خود را کاتولیک می‌نامند اما تعداد زیادی از افراد به طور سنتی و نه از جهت دینی، کاتولیک مانده‌اند.

اگر چه در این کشور کلیسا و دولت از یکدیگر جدا هستند و آزادی مذهب و عقاید در قانون تضمین شده اما روابط نزدیکی بین کلیسای کاتولیک و دولت وجود دارد. تعطیلات اصلی دین کاتولیک، تعطیلات رسمی کشورند و همواره یک کشیش در

مراسم افتتاحیه ساختمان‌های دولتی حضور دارد. هم چنین مؤسسات آموزشی و رفاهی پایه‌گذاری شده توسط کلیسا مانند مدارس آموزشی از حمایت مالی دولت فدرال برخوردارند. در تاریخ برزیل موارد زیادی دیده شده است که طی آنها کلیسای کاتولیک قویاً به حمایت از دولت برخاسته یا با وضعیت موجود به چالش پرداخته است. نمونه این حرکت را می‌توان در جنبش الهیات آزادی‌بخش^۱ کشیشان آمریکای لاتین دید که در اواخر قرن بیستم رخ داد و بر اساس آن سعی شد تا دلایل و بنیان‌های مذهبی جهت پاسخ‌گویی به سؤالات مردم درباره شکاف طبقاتی اقتصادی، ارائه شود.

کاتولیک‌گرایی ترتیبات متفاوتی در مناطق شهری و روستایی دارد. در بخش‌های داخلی و روستایی کشور نوعی از این مذهب به نام «کاتولیک عامه» رواج دارد که حاوی عقاید و اعمالی است که مدت زمان طولانی از متروک شدن آنها در شهرها می‌گذرد و از سوی مردم نقاط داخلی کشور اجرا می‌شود. مکان‌های مخصوص عبادت در این شکل از مذهب کاتولیک در مناطق داخلی و دور افتاده قرار دارند که اغلب از مسافت‌های دور دست هزاران برزیلی برای زیارت به آنجا می‌روند. فرد مؤمن در این آئین به زیارت فرد مقدسی رفته و تقاضای خود را مطرح می‌کند. این تقاضا ممکن است شفا یافتن از بیماری یا استخدام شدن در جایی باشد. گاهی اوقات فردی که حاجت خود را یافته به فرد مقدس، شیئی کنده کاری شده مشابه عضو شفا گرفته، هدیه می‌دهد.

آئین کاتولیک برزیلی همواره به صورتی هماهنگ با سایر ادیان کشور هم زیستی داشته است. از جمله این ادیان می‌توان به: ادیان سنتی بومیان، ادیان آفریقایی که از سوی بردگان به کشور وارد شد، آئین‌های اروپایی و اشکال مختلف آئین پروتستان، اشاره کرد. علاوه بر این بسیاری از کاتولیک‌های برزیل در مراسم سایر ادیان مشارکت دارند، اما هیچ‌گاه خود را کاتولیک‌های «خوب» نمی‌دانند.

معروف‌ترین و سنتی‌ترین دین برزیل که منشأ آفریقایی دارد کاندومبله^۲ نامیده شده

است. مرکز این دین شهر **سالوادور** است و منشأ آن به ادیان **یوروبا** و **داهومی** - که در غرب آفریقا مشهور هستند - باز می‌گردد. در کاندومبله که دینی ترکیبی و دارای عناصر آفریقایی و اروپایی است از خدایان خواسته می‌شود تا با زور به روح تازه واردان این دین وارد شوند. این آئین علی‌رغم فشارهای نیروی پلیس و سایر اشکال تبعیض اجتماعی در سال‌های گذشته، هم چنان پایدار مانده و با عنوان یک **سمبل مهم در هویت فرهنگ آفریقایی - برزیلی** شناخته شده است.

اومباند^۱ یکی دیگر از ادیان ترکیبی است که از عناصر روحی بهره می‌برد. این آئین در اواخر دهه ۱۹۲۰ در **ریودوژانیرو** تأسیس شد و سپس به کلیه نقاط شهری برزیل گسترش یافت. این آئین که امروزه ۳۰ میلیون نفر پیرو دارد یکی از ادیان ملی برزیل نامیده شده است. چرا که حاوی عناصری از سه سنت فرهنگی این کشور است: آفریقایی، اروپایی و سرخ‌پوست.

روح‌گرایی^۲ آئین دیگری است که بر اساس تعلیمات فیلسوف فرانسوی «آلن کارده»^۳ شکل گرفته و در قرن نوزدهم به برزیل وارد شد. پیروان این آئین رو به افزایش هستند. روح‌گرایی بیشتر یک آئین روشنفکری است تا راهی به جهت جست‌وجوی رستگاری. پیروان این آئین - که عمدتاً افراد سطوح بالای طبقه متوسط و نخبگان هستند - اعتقاد دارند که انسان‌ها ارواحی هستند که در جسم خویش گرفتار شده‌اند و هدف از زندگی، پاکی و رستگاری اخلاقی است. مطالعات فریبگی مواجهه نسبتاً مناسب دین کاتولیک برزیلی با سایر اشکال اعتقادات و حالات مذهبی، در **پروتستانیزم برزیلی** به ویژه نوع اصول‌گرای آن دیده نمی‌شود. این دین که از آن به «**پنتکاستال [پنتیکاست] نوین**»^۴ یاد می‌شود ادیان **آفریقایی برزیل** و **اومباند**

۱ - Umganda

۲ - Spiritualism

۳ - Alian Kardec

۴ - New Pentecotal

را به عنوان **کارهای شیطانی** می‌شناسد و افرادی که تازه به این دین وارد می‌شوند باید از مرحله اخراج جن از روح عبور کنند.

کلیسای پتکاستال در سالهای اخیر بسیار موفق بوده است. در اغلب مراسم مذهبی عالی، افرادی که به این دین روی آورده‌اند اعلام می‌دارند که کلام روح‌القدس را از زبان خود او شنیده‌اند و علاج یافته‌اند. این آئین با استفاده از رادیو و تلویزیون فقرا و مستمندان را مورد هدف قرار داده و سعی کرده از طریق نوآوری‌های فردی، آنان را توانا سازد. یک جریان نسبتاً جدید به نام «**کلیسای جهانی**» در اواخر دهه ۱۹۷۰ در ریودوژانیرو تأسیس شد و هم اکنون کلیساهایی در کلیه مناطق برزیل و سایر نقاط دنیا دارد.

یکی از روندهای توسعه‌گرایانه اواخر قرن بیستم در فضای دینی برزیل، رشد جنبش کاریزمایی درون کلیسای کاتولیک بود. کاریزمای کاتولیکی موارد مشترک فراوانی با پتکاستال داشت که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: تأکید اساسی به این مسأله که روح‌القدس می‌تواند مشکلات جسمی، روحی و مادی فردی را برطرف نماید و آداب آن به ویژه صحبت زبانی و نیز مراسم و خدمات مذهبی نیز زنده و پر از احساس هستند.^۱

پزشکی و مراقبت‌های درمانی

برزیل مدتی طولانی از نظام بهداشت و تندرستی عمومی برخوردار بوده است اما این نظام هم چون سایر برنامه‌های اجتماعی که باید به فقرا خدمات دهند، از بودجه مناسب برخوردار نیستند. در اوایل دهه ۱۹۹۰ هزینه سرانه هر فرد در بخش بهداشت و سلامت تنها ۵۰ دلار آمریکا بود در حالی که بیش از ۶۰ درصد از جمعیت برزیل به این هزینه وابسته‌اند. در بعضی از نقاط روستایی بسیاری از فقرا مجبورند تا به خود درمانی بپردازند یا هر آن چه دارویی را که داروسازان بومی در اختیارشان قرار می‌دهند مصرف

۱. لازم به ذکر است که در برزیل بیش از نیم میلیون مسلمان زندگی می‌کنند. یهودیان، مسیحیان ارتدوکس، مسیحیان ارمنی، هندوها و بودایی‌ها هم از دیگر اقلیت‌های مذهبی این کشور هستند که در این مقاله بدانها اشاره نشده است. (برای مطالعه بیشتر رک: برزیل، رفیع رفیعی، انتشارات وزارت امور خارجه، صص ۲۰-۱۶ و دیگر منابع درباره برزیل).

می‌کنند. در آن روی سکه اجتماع، برزیل برای کسانی که قادرند هزینه‌های درمان را پرداخت کنند امکاناتی در سطح استانداردهای جهانی در مراکز پزشکی مدرن که به ویژه در نقاط جنوب شرقی و جنوب واقع شده اند، فراهم می‌آورد.

مراسم و جشن‌های عمومی

بسیاری از جشن‌های غیرمذهبی برزیل با تقویم مذهبی کلیسا ارتباط نزدیکی دارد چرا که بسیاری از این موارد با شکل جشن‌های مذهبی شروع شده و سپس به جشن‌های غیرمذهبی تبدیل شده‌اند.

در مراسم سه روزه پادشاه در ششم ژانویه بچه‌ها به در خانه‌های مردم رفته و با خواندن آواز تقاضای هدیه می‌کنند. این سنت تقریباً در مناطق شهری از بین رفته است، اما در مناطق داخلی هم‌چنان جریان دارد. کارناوال‌ها با تاریخ‌های متفاوت از اواخر ژانویه تا مارس برگزار می‌شوند. جشن‌های ملی چهار روزه برزیل که پیش از چهارشنبه خاکستر (روز اول ایام روزه و توبه مسیحیان) برگزار می‌شود همراه با راه‌پیمایی در خیابان‌ها، نمایش سامبا، موسیقی، میهمانی و لباس‌های خاص است. نحوه برگزاری این جشن‌ها از شهری به شهر دیگر و از منطقه‌ای به منطقه دیگر متفاوت است. معروف‌ترین کارناوال‌های خیابانی در شهرهای ریودوژانیرو، سائو پائولو، رسیف، اولیندا و سالوادور برقرار می‌شود.

روز دندان‌سازان، دوم آوریل است. این افراد رهبریت جنبش میناس - که مهم‌ترین و اولین جنبش در راستای استقلال برزیل بود - را بر عهده داشتند. هنگامی که پادشاه پرتغال متوجه شد که دندان‌سازان جنبش استقلال را رهبری می‌کنند، آنها را در میدان مرکزی شهر ویلاریکا به دار آویخت؛ شهر فوق در ایالت میناس جرایس واقع است.

برزیلی‌ها یک سلسله از فستیوال‌های مردمی را که ریشه در سنن کلیسای کاتولیک رم دارد در ماه ژوئن برگزار می‌کنند. ایام روزه سن آنتونی (۱۳ ژوئن)، سن ژان (۲۴ ژوئن) و سن پیتر (۲۹ ژوئن) همراه با آتش بازی عظیم، بازی‌ها و غذاهای سنتی،

نمایش‌های میدانی و میهمانی‌های کودکان است. بچه‌های شهرنشین در طول این فستیوال‌ها لباس‌هایی مانند لباس‌های قدیمی می‌پوشند.

۷ سپتامبر، روز استقلال برزیل است. برزیل تا سال ۱۸۲۲ میلادی مستعمره پرتغال بود و در این پادشاه پرتغال، رسماً استقلال برزیل را اعلام نمود.

روز ۱۲ اکتبر مصادف با روز مادر آپارسیدا^۱، نیز جزء تعطیلات رسمی است. جشن روزه این فرد که از جمله افراد مقدس در برزیل است در این روز گرامی داشته شده است.

۱۵ نوامبر نیز که روز اعلام جمهوری در کشور است تعطیل می‌باشد. در این تاریخ افول امپراتوری برزیل و اعلام جمهوری در سال ۱۸۸۹ جشن گرفته می‌شود.

روز ۳۱ دسامبر که مصادف با شب سال نو است نیز تعطیل می‌باشد. هزاران نفر از پیروان ادیان آفریقایی - برزیلی شب سال نو را در سواحل برزیل می‌گذرانند تا الهه دریا یا «یمانجا»^۲ را گرامی بدارند.

ادبیات و هنر

۱- ادبیات

این کشور ذخایر ادبی فراوانی را در خود جای داده است و نویسندگان معروف زیادی به جامعه بین‌الملل معرفی نموده است. از جمله این افراد می‌توان به ژرژ آمادو^۳ - که معروف‌ترین نویسنده معاصر برزیل است - اشاره کرد. کتاب‌های او به ۵۰ زبان ترجمه شده است و نوشته‌هایش بیانگر و روشن‌کننده ابعاد مردمی جامعه برزیل است. این نکات به ویژه در مجموعه بومی باهیا - که معروف‌ترین کتب او هستند - دیده می‌شود.^۴ برزیل هم چنین از فرهنگ عامی برخوردار است که کمتر در خارج از آن شناخته شده است. «ادبیات سیمی»^۵ که از رسمی برگرفته شده که بر طبق آن جزوات و کتابچه‌ها از یک

۱ - Nossa Senhora Aparecida

۲ - Yemanjá

۳ - Jorge Amado

۴. دیگر نویسنده مشهور و جهانی این کشور، پائولو کوئیلو است. از وی آثار فراوانی به ۳۰ زبان ترجمه شده است.

۵ - Literature de Cordel

سیم کوچک یا طناب کوچک آویزان می‌شوند و در معرض فروش قرار می‌گیرند. در مناطقی از کشور که درصد بی‌سوادی بسیار بالا دیده می‌شود این اشعار حاوی اخبار و انتقال‌دهنده سنت‌های فرهنگی هستند. «آوازخوانان کوردل»^۱ نیز به افرادی گفته می‌شود که از شهری به شهر دیگر مسافرت می‌کنند تا اشعار خود را همراه با نوای گیتار یا آکاردئون اجرا کنند. این افراد اشعار را سروده و سپس آنها را با آهنگ ترکیب می‌کنند و اشعار را در یک کتابچه به چاپ می‌رسانند (که می‌تواند به فروش برسد) و حتی گاهی اوقات با استفاده از قطعات چوبی کنده‌کاری شده به تشریح آنها می‌پردازند.

۲- هنر

هنر موسیقی در برزیل تنها یک سرگرمی نیست بلکه به عنوان «بعد صدایی» زندگی عمل می‌کند. برزیل، سامبا و بوسانووا را به جهان معرفی کرده است، اما سایر سنت‌های موزیکال مانند باتوکو، فورو و ماکسیکسه در خارج از کشور کمتر شناخته شده‌اند. موسیقی این کشور هم چون بسیاری دیگر از بخش‌های فرهنگ آن از سه عنصر فرهنگی (سرخ‌پوستی، اروپایی و آفریقایی) به عاریه گرفته شده است در حالی که سنت‌های آفریقایی حداکثر تأثیر را در این حوزه داشته است. اگر چه فعالیت‌های موسیقی در برزیل اغلب در زمینه موسیقی عامه پسند (پاپ) و نه کلاسیک انجام می‌شود، اما این کشور خاستگاه یکی از مشهورترین آهنگ‌سازان نئو کلاسیک جهان به نام هیتور ویلالوبوس^۲ است که از موسیقی عامه‌پسند در بهترین آهنگ ساخته شده توسط خود به نام «باچیاناس براسیلیراس»^۳ استفاده مفهومی کرده است.^۴

وضعیت علوم طبیعی و اجتماعی

بحران اقتصادی شدید برزیل تأثیرات سوئی بر علوم طبیعی و اجتماعی این کشور

۱ - Cordel Singers

۲ - Heitor Villa-lobos

۳ - Bachianas Brasileiras

۴ - از دیگر هنرمندان برجسته برزیلی می‌توان کاندیدو پورتیناری (Candido Portinari) و معمار برجسته قرن هجدهم، آنتونیو فرانسیسکو لیسوا (Antonio Francisco Lisboa) را نام برد. و

گذارده است؛ چرا که تقریباً تمام تحقیقات دانشگاهی در زیر مجموعه‌های دولتی صورت می‌گیرد که حدود ۹۰ درصد از منابع مالی خود را از دولت تأمین می‌کنند. بخش خصوصی مشارکت اندکی در تحقیقات دارد.

علوم اجتماعی در برزیل بیشتر از ایالات متحده آمریکا شناخته شده است و تعدادی از دانشگاهیان در این رابطه از سوی عموم مردم مورد شناسایی قرار گرفته‌اند. **فرناندو هنریکو کاردوسو** که قبلاً سناتور بوده و دو دوره ریاست جمهوری کشور را گذرانده، قبل از ورود به دنیای سیاست یک جامعه‌شناس مشهور بوده است. این رابطه آشکار را می‌توان با این عامل مرتبط دانست که کلیه گرایش‌های علوم اجتماعی با توجه به مسایل برزیل تنظیم می‌شوند. اکثر انسان‌شناسان برزیلی تحقیقات میدانی خویش را در محدوده ملی کشور خود به انجام رسانده‌اند.

انسان‌شناسان برزیلی در طول سال‌های گذشته توجه خویش را از جمعیت، به امور حساس از جمله شکاف بین نسل‌ها معطوف داشته‌اند. در راستای این دیدگاه تحقیقات بر روی دوره گردان، جمعیت شهرنشین و فرهنگ عامه بیشتر صورت می‌گیرد. جامعه‌شناسی که نسبت به انسان‌شناسی بیشتر با آمار و روش‌های کمی سر و کار دارد، در برزیل اغلب نیم نگاهی به سیاست همراه با تحقیقات دارد یا همان گونه که یک جامعه‌شناس برزیلی گفته است: «در برزیل، تئوری و فرضیه همان سیاست‌هاست.»

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی